

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و  
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه رازی است.»



دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی  
زبان و ادبیات فارسی

**عنوان:**

**قهرمان علیه قهرمان**

استاد راهنما:

دکتر محمد ایرانی

نگارش:

سمیه بیگلری حیدرآبادی

زمستان ۱۳۹۱

## چکیده

در ادب فارسی شاهنامه‌ی فردوسی، به‌عنوان بزرگترین اثر حماسی ملی، نمودگار چهره‌ی قهرمانان و ضدّ-قهرمانان بسیاری است که رودرروی یکدیگر قرار می‌گیرند. این تحقیق در پی رسیدن به این اهداف و پاسخگویی به این پرسش‌ها می‌باشد: ۱. چگونگی روند قهرمان‌سازی در حماسه برپایه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی، ۲. یافتن ریشه‌ی تقابل‌های میان قهرمانان شاهنامه و آیا رابطه‌ای میان این تقابل‌ها و نبرد اسطوره‌ای میان نیروهای خیر(اهورامزدا) و نیروهای شر (اهریمن) وجود دارد؟ ۴. ارائه‌ی یک تقسیم‌بندی نو و جامع بر اساس کارکرد و خویشکاری بنیادین قهرمانان شاهنامه و ۵. تقسیم‌بندی رویارویی‌های قهرمانان شاهنامه و ارائه‌ی یک ساختار و تحلیل نو از تقابل میان قهرمانان شاهنامه. برای رسیدن به اهداف مطرح‌شده، نخست به چگونگی حضور قهرمانان در عرصه‌ی حماسه‌ی شاهنامه پرداخته شده‌است. همچنین با ریشه‌یابی اسطوره‌ی تقابل میان خیر و شر، نشان داده‌شده که تقابل میان قهرمانان و ضدّقهرمانان شاهنامه، رابطه‌ای عمیق و زیرساختی با این اسطوره‌ی بنیادین دارد. در فصل سوّم قهرمانان شاهنامه در یک تقسیم‌بندی نسبتاً جامع، براساس کارکرد و نقشی که در شاهنامه دارند، در گروه‌هایی چند شاخه‌ای قرار گرفته‌اند. در نهایت، و در فصل پایانی، رویارویی میان قهرمانان شاهنامه، در سه گروه مجزا و بر اساس یک الگوی نمادین تقسیم‌بندی گشته و هر رویارویی جداگانه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌است. این تحقیق نتایج زیر را به‌همراه داشته‌است: ۱. قهرمانان از دو طریق پا به عرصه‌ی حماسه می‌گذارند: ازدنیای اسطوره، یا از درون تاریخ و دوران پهلوانی/قهرمانی، ۲. ریشه‌ی تقابل و رویارویی میان قهرمانان و ضدّقهرمانان شاهنامه به تقابل اسطوره‌ای میان جبهه‌ی خیر و جبهه‌ی شر بازمی‌گردد، ۳. قهرمانان شاهنامه در عرصه‌ی حماسه از نقش و کارکردی یکسان برخوردار نیستند. بلکه هر قهرمانی، در دو گروه بزرگ قهرمانان جبهه‌ی خیر(ایرانی) و جبهه‌ی شر(انیرانی) دارای کارکرد و خویشکاری بنیادین خویش است. ۵. تمامی تقابل‌های بنیادین میان قهرمانان شاهنامه در پیوند با یکدیگر و بر اساس یک الگوی مشترک بر مبنای بُرهه‌های سرگذشت قهرمان، در در سه گروه جداگانه قابل بررسی و تحلیل هستند.

واژگان کلیدی: حماسه، شاهنامه، ضدّ قهرمان، قهرمان

فصل اول: کلیات

۲	۱-۱- مقدمه.....
۳	۲-۱- معرفی موضوع تحقیق.....
۴	۳-۱- پیشینه‌ی موضوع تحقیق.....
۶	۴-۱- اهداف تحقیق.....
۶	۵-۱- سؤال‌های تحقیق.....
۷	۶-۱- روش تحقیق.....

فصل دوم: درآمدی بر اسطوره و حماسه‌ی قهرمانی

۱۰	۱-۲- اسطوره‌ی قهرمان، شناخته‌ترین اسطوره‌ی جهانی.....
۱۳	۲-۲- قهرمان‌سازی در روند حماسه.....
۱۳	۲-۲-۱- حماسه.....
۱۳	۲-۲-۲- دوره و نهاد قهرمانی.....
۱۶	۳-۲-۲- از اسطوره تا حماسه.....
۱۹	۴-۲-۲- ورود قهرمانان به عرصه‌ی حماسه.....

فصل سوم: قهرمان و ضدّ قهرمان، تجسّم حماسی اهورامزدا و اهریمن

۲۲	۱-۳- اسطوره‌ی پیکار میان اهورامزدا و اهریمن: اسطوره‌ی مادر در اساطیر ایران.....
۲۶	۲-۳- نمونه‌برداری از اسطوره‌ی مادر در حماسه.....
۲۸	۳-۳- قهرمان و ضدّ قهرمان، نمایندگان حماسی اهورامزدا و اهریمن.....
۲۹	۱-۳-۳- تبدیل آفریده‌های اهورایی به شاهان و قهرمانان جبهه‌ی خیر.....
۳۲	۲-۳-۳- تبدیل آفریده‌های اهریمنی به ضدّ قهرمانان جبهه‌ی شر.....

فصل چهارم: قهرمانان شاهنامه

۳۷	۱-۴- قهرمانان جبهه‌ی خیر.....
۳۷	۱-۱-۴- شاه - قهرمان.....
۴۶	۲-۱-۴- قهرمان - پهلوان.....
۵۴	۳-۱-۴- قهرمان - شهید.....
۵۷	۴-۱-۴- قهرمان - قربانی.....
۶۰	۲-۴- قهرمانان جبهه‌ی شر.....

- ۶۱ ..... شاه - قهرمان ۱-۲-۴
- ۶۲ ..... قهرمان ۲-۲-۴

### فصل پنجم: رویارویی قهرمانان شاهنامه

- ۶۷ ..... ۱-۵- رویارویی گروه اول
- ۶۹ ..... ۵- ۱-۱- انگیزه‌ی رویارویی
- ۷۰ ..... ۵- ۱-۲- رویارویی فریدون و ضحاک
- ۷۶ ..... ۵- ۱-۳- رویارویی منوچهر و سلم و تور
- ۸۰ ..... ۵- ۱-۴- رویارویی کیخسرو و افراسیاب
- ۹۱ ..... ۵- ۲- رویارویی گروه دوّم
- ۹۲ ..... ۵- ۲-۱- انگیزه‌ی رویارویی
- ۹۴ ..... ۵- ۲-۲- رویارویی ایرج و سلم و تور
- ۹۷ ..... ۵- ۲-۳- رویارویی سیاوش و افراسیاب
- ۱۰۵ ..... ۵- ۳- رویارویی گروه سوّم
- ۱۰۶ ..... ۵- ۳-۱- قهرمان حقیقی کیست؟
- ۱۰۸ ..... ۵- ۳-۲- رویارویی سهراب و رستم
- ۱۱۸ ..... ۵- ۳-۳- رویارویی فرود و طوس
- ۱۲۳ ..... ۵- ۳-۴- رویارویی اسفندیار و رستم
- ۱۳۲ ..... ۵- ۳-۵- نقش سرنوشت در رویارویی های گروه سوّم
- ۱۳۶ ..... نتیجه‌گیری
- ۱۴۳ ..... کتابنامه
- ۱۴۸ ..... پی‌نوشت
- ..... چکیده‌ی انگلیسی

## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۶۸	جدول ۵-۱ رویارویی گروه اول
۹۲	جدول ۵-۲ رویارویی گروه دوم
۱۰۶	جدول ۵-۳ رویارویی گروه سوم

# فصل اوّل

## کلیّات



## ۱-۱- مقدمه

قهرمان، مفهومی اساطیری است که قدمت آن به سابقه‌ی حیات بشری بازمی‌گردد. اسطوره، فرهنگ، اندیشه، حماسه و تاریخ مردمان سرزمین ایران نیز چون هر ملت دیگری خالی از وجود شخصیت‌های قهرمانی نیست. در این میان حماسه به دلیل ویژگی‌های روایی-داستانی خاص خود بهترین و مناسب‌ترین صحنه‌ی حضور قهرمانان بوده است.

وجود قهرمانان و تقابل میان قهرمانان در حماسه، در حماسی‌ترین و داستانی‌ترین صورت خویش در تاریخ فرهنگ ایران در شاهنامه‌ی فردوسی به اوج ظهور خود رسیده است. در بخش اساطیری و قهرمانی شاهنامه و در خلال برخی داستان‌های این قسمت دو شخصیت قهرمانی در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند. روال و روند داستان و جهت‌دهی روایت به گونه‌ای است که یکی از آن دو به عنوان قهرمان<sup>۱</sup> و دیگری در نقش ضد قهرمان<sup>۲</sup> نمایانده می‌شود تا بر سر حفظ نام یا کسب قدرت و یا کینه‌جویی و انتقام با هم پیکار کنند. این روایت‌ها گاه به اتمام نبرد به سود قهرمان پایان می‌پذیرند. گاه به سود ضد قهرمان و گاهی نیز جریان داستان بر خلاف این روند پیش می‌رود و دو چهره‌ی قهرمان رودرروی یکدیگر می‌ایستند و نبرد به مرگ یکی از قهرمانان می‌انجامد.

این تحقیق بر آن است که ضمن روشن ساختن روند قهرمان‌سازی در حماسه و تحلیل علت شناختی تقابل قهرمان‌ها در شاهنامه با یکدیگر، به تقسیم‌بندی جامعی از قهرمانان بخش اساطیری و قهرمانی و همچنین به دسته‌بندی سه‌گانه‌ای از روایت‌های تقابل قهرمانان و ضد قهرمانان شاهنامه به شرح ذیل، دست پیدا کند. و روشن سازد که سرچشمه‌ی پیدایش این ساختار و آبخور فکری آنها در فرهنگ و اندیشه‌ی ایرانی چیست؟

۱- رویارویی قهرمان و ضد قهرمان: یا تقابل خیر و شر (که به پیروزی خیر می‌انجامد).

۲- رویارویی ضد قهرمان با قهرمان که به پیروزی ضد قهرمان می‌انجامد و موجب سوگواری و دلشکستگی و غلبه‌ی ترس می‌گردد.

۳- قهرمان علیه قهرمان: داستانی پر آب و چشم که به کشته شدن یکی از قهرمانان و نوعی تراژدی می‌انجامد. مُراد ما در این تحقیق بخش اول و دوم شاهنامه، یعنی بخش اساطیری و قهرمانی است. جامعه‌ی آماری، بخش اساطیری و قهرمانی شاهنامه بر مبنای تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق می‌باشد. تمام ابیات از همین تصحیح آورده شده است. به همین جهت برای ارجاع ابیات تنها از مخفف واژگان جلد، بیت و صفحه، به

<sup>۱</sup> . hero

<sup>۲</sup> . anti-hero

صورت ج، ب و ص استفاده شده است. همچنین برای ارجاع پی‌نوشت‌های پایان فصل پنجم که در پایان با عنوان پی‌نوشت آمده است، از اعداد داخل پرانتز بهره گرفته شده است.

## ۱-۲- معرفی موضوع تحقیق

پایان‌نامه‌ی پیش رو با عنوان قهرمان علیه قهرمان، رویارویی قهرمانان را در بخش اساطیری و قهرمانی شاهنامه مورد پژوهش قرار داده است. مفهوم قهرمان، مفهومی اساطیری و یکی از کهن‌الگوهای<sup>۱</sup> بنیادین بشری است. اسطوره و تاریخ هیچ ملتی خالی از داستان‌ها و روایات قهرمانی نیست. اساطیر که بیانگر جهان-بینی جوامع نخستین بشری هستند، در اثر تغییر و تحولات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های بسیار شده‌اند. بر اساس بررسی‌ها و نظریات اسطوره‌شناسان، اساطیر هرگز نمی‌میرند، بلکه به صور گوناگون و گاه بسیار پیچیده به حیات خود ادامه می‌دهند. کیفیت این دگرگونی و پیکرگردانی‌ها در اساطیر، در جوامع مختلف، متفاوت بوده است. حماسه یکی از بسترهای مناسب برای حفظ و بازنمایی اساطیر، می‌باشد. حماسه یکی از انواع ادبی است با ویژگی‌ها و چارچوب‌روایی-داستانی خاص خود. این نوع ادبی در دورانی ظهور یافت، که بشر به درجانی از تمدن رسیده و از عصر اسطوره‌باوری به عصر اسطوره‌پیرایی گذر کرده بود. در نتیجه اساطیر، دیگر قدرت و اعتبار گذشته را نداشتند و بر اثر گذشت زمان بسیاری از جنبه‌های قدسی و غیرواقعی خود را از دست داده بودند. از سویی دیگر حماسه محصول دوران قهرمانی و پهلوانی جوامع نیز هست. یعنی دوران جنگ‌ها و دلاوری‌های طبقه‌ی جنگجویان و قهرمانان. دورانی که پهلوانان و قهرمانان بسیاری از درون آن برخاسته‌اند که برخی از آنان با گرفتن مشخصات حماسی، به درون حماسه راه یافته‌اند.

در نتیجه می‌توان گفت که حماسه پایی در اسطوره و پایی در تاریخ دارد. به این معنا که قهرمانان حماسه یا از دنیای پُررمز و راز اسطوره یا از دنیای پرسخن تاریخ، پا در عرصه‌ی حماسه می‌گذارند. اما حماسه دارای چارچوب و ویژگی‌های خاص خود است. این اساطیر و روایات قهرمانی با حفظ مشخصات خود و انطباق با ساخت و شرایط حماسه، وارد دنیای شگفت حماسه می‌شوند. پس حماسه با اسطوره و تاریخ پیوندی تنگاتنگ دارد.

شاهنامه‌ی فردوسی، به عنوان بزرگترین اثر حماسی ادب پارسی، ویژگی‌های شگفتی دارد که آن را از دیگر آثار حماسی همتای خود، در ادبیات جهان ممتاز می‌کند. سایه‌روشن تاریخی، نبردهای حماسی و دلاوری‌های قهرمانی و فضای وهم‌آلود اساطیری، همه در مجموعه‌ی عظیم داستان‌های شاهنامه درهم تنیده شده‌اند. شاهنامه‌ی فردوسی چون هر اثر حماسی دیگر، دنیای رویارویی قهرمانان با چهره‌های متفاوت است. بخش اساطیری و قهرمانی، دنیای ظهور و افول و رویارویی قهرمانان بزرگ و کوچکی است، که

<sup>۱</sup>. Archetype

سرنوشت حماسه را رقم می‌زنند. این بخش از شاهنامه از ارزش‌های والای ادبی، اسطوره‌ای، تاریخی و... برخوردار است. در این بخش از شاهنامه دو قهرمان رودرروی یکدیگر قرار می‌گیرند. یکی از این دو به - عنوان قهرمان و دیگری به عنوان ضدقهرمان نمایانده می‌شوند.

تقابل میان قهرمانان و ضدقهرمانان شاهنامه، اساساً به جهان‌بینی اسطوره‌ای نبرد میان نیروهای جبهه‌ی خیر (اهورامزدا) و نیروهای شر (اهریمن) بازمی‌گردد. این تقابل اسطوره‌ای در باور و زندگانی ایرانیان تأثیری عمیق و زیرساختی دارد. این نبرد اسطوره‌ای از سویی، باحفظ ویژگی‌ها و بن‌مایه‌های اساطیری خود و از سویی دیگر با انطباق با چارچوب و مشخصات خاص حماسه، بر سراسر شاهنامه تأثیری عمیق گذاشته‌است. از این دیدگاه نیروهای جبهه‌ی خیر (اهورامزدا و یاریگران او)، به صورت پادشاهان و قهرمانان ایرانی و نیروهای شر (اهریمن و یاریگران او)، به صورت ضدقهرمانان ایرانی، در شاهنامه رودرروی یکدیگر ایستاده‌اند.

رویارویی قهرمانان شاهنامه غالباً به اتمام نبرد به سود قهرمانان ایرانی پایان می‌پذیرد، اما گاهی نیز جریان داستان برخلاف این روند پیش می‌رود و به مرگ قهرمانان ایرانی می‌انجامد.

به طور کلی روایت‌های تقابل قهرمانان شاهنامه را می‌توان در سه گروه دسته‌بندی کرد:

۱. رویارویی قهرمان جبهه‌ی خیر و ضدقهرمان جبهه‌ی شر، که به پیروزی قهرمان جبهه‌ی خیر می‌انجامد.

۲. رویارویی ضدقهرمان علیه قهرمان که به پیروزی ضدقهرمان می‌انجامد.

۳. رویارویی قهرمانان جبهه‌ی خیر که به پیروزی قهرمان ملی و نوعی تراژدی می‌انجامد.

### ۱-۳- پیشینه‌ی موضوع تحقیق

پیشینه‌ی موضوع مورد تحقیق، دامنه‌ی بسیار وسیعی دارد. تحقیقات راجع به شاهنامه دارای پیشینه‌ای طولانی و بسیار گسترده می‌باشند، و این به دلیل گستردگی دنیای شاهنامه، موضوعات آن و محبوبیت این اثر ارزشمند در میان جهانیان می‌باشد. شاهنامه در حقیقت بازگوکننده‌ی تاریخ اساطیری، پهلوانی و روایی سرزمین ایران است. حوادث، شخصیت‌ها، عناصر و موضوعات شاهنامه، آنقدر متنوع و گسترده‌است، که راه پژوهش و تحقیق برای علاقه‌مندان به این کتاب گرانقدر را برای همیشه باز گذاشته‌است. در تاریخ شاهنامه-پژوهی، این اثر از جنبه‌های مختلف کاویده شده‌است. پژوهش‌های انجام گرفته مربوط به بخش اساطیری و قهرمانی شاهنامه را در چند بخش می‌توان عنوان کرد: ۱. پژوهش‌هایی که شاهنامه را از دیدگاه دبستان‌های مختلف فکری چون: اسطوره‌ای، تاریخی، جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی، روان‌شناختی و... کاویده‌اند. ۲. تحقیقاتی که شاهنامه را از جنبه‌های ادبی، زیبایی‌شناسی، داستان‌نویسی و ساختاری مورد بررسی قرار داده‌اند، ۳. پژوهش‌هایی که به تحلیل داستان‌های شاهنامه از لحاظ محتوایی پرداخته‌اند.

پایان‌نامه‌ی پیش رو از بسیاری از تحقیقات این حوزه‌ها بهره برده‌است. بررسی‌های این پایان‌نامه حول

محور سه مفهوم اسطوره، حماسه و قهرمان می‌گردد. در رابطه با هر یک از این مفاهیم سه‌گانه، تحقیقات بسیار و البته ارزشمندی انجام گرفته‌است. پیرامون موضوع اسطوره‌ی قهرمان می‌توان به آثاری چون: «قهرمان هزارچهره»، اثر جوزف کمبل<sup>۱</sup>، «اسطوره‌ی توگد قهرمان»، اثر اتو رانک<sup>۲</sup>، «انسان و سمبل‌هایش اثر کارل گوستاو یونگ<sup>۳</sup>»، اشاره کرد. دو اثر نخست به بررسی اسطوره‌ی قهرمان در اساطیر جهانی پرداخته‌اند و در کتاب سوم، یونگ، با ارائه‌ی مفهوم کهن‌الگو، در بخشی از کتاب خود به بررسی کهن‌الگوی قهرمان، به عنوان یک کهن‌الگوی بنیادین و اثرگذار پرداخته‌است. حیطه‌ی تحقیقات مربوط به اسطوره‌شناسی قهرمان، بسیار گسترده و جهانی می‌باشد، بنابراین نتایج حاصل از آن تا حدّ زیادی قابل تعمیم و انطباق بر اسطوره‌های قهرمانی سراسر دنیا است. در ایران نیز مقاله‌ها و کتب متعددی در زمینه‌ی انطباق این الگوهای جهانی با قهرمانان شاهنامه شکل گرفته‌است، که نشان‌دهنده‌ی وجود اسطوره‌های قهرمانی در شاهنامه و همپایگی آنها با اساطیر قهرمانی جهان می‌باشد. در زمینه‌ی حماسه نیز آثار ارزشمندی پدید آمده‌است. از جمله‌ی این آثار می‌توان به «حماسه‌سرایي در ایران»، اثر ذبیح الله صفا، «حماسه در رموز و رمزی»، اثر محمد مختاری، «انواع ادبی و شعر فارسی»، اثر محمدرضا شفیعی کدکنی، اشاره کرد که به طور کلی به نوع ادبی حماسه پرداخته‌اند و به‌طور خاص، حماسه‌ی شاهنامه را از لحاظ ویژگی‌های حماسی مورد بررسی قرار داده‌اند.

از میان پژوهش‌های غیر ایرانیان درباره‌ی حماسه، بی‌گمان تألیف «بورا»<sup>۴</sup> به زبان انگلیسی جای ویژه‌ای دارد. «جلال خالقی مطلق» در کتابی با عنوان «حماسه، پدیده‌شناسی شعر پهلوانی» چکیده‌ی نظریات بورا را درباره‌ی حماسه آورده‌است. همچنین آرای بورا را درباره‌ی حماسه، با ویژگی‌های حماسی شاهنامه‌ی فردوسی مقایسه کرده‌است. این آثار و آثار دیگری در همین زمینه، نشان می‌دهد که شاهنامه‌ی فردوسی، نمونه‌ی تمام عیار یک اثر حماسی می‌باشد.

مفهوم سوّمی که در این تحقیق محور قرار گرفته‌است. مفهوم قهرمان و ضدّ قهرمان در شاهنامه است. در رابطه با ریشه‌ی اسطوره‌ای تقابل میان قهرمانان شاهنامه، «بهمن سرکاراتی» در مقاله‌ای با عنوان «بنیان اساطیری حماسه‌ی ملی ایران» به این موضوع پرداخته‌است. سرکاراتی در این مقاله داستان‌های شاهنامه را از کیومرث تا کیخسرو دارای ساخت متوالی منسجمی می‌داند، که با برداشتی از باورهای ذهنی ایرانیان، بر اصل اعتقاد به دو بن آغازین و متضادّ خیر و شر، که همواره در حال ستیزه و کارزارند، استوار است. جلال ستاری نیز در کتاب خود با عنوان «جهان اسطوره‌شناسی، اسطوره‌ی ایرانی» ضمن معرفی اسطوره‌ی نبرد اهرامزدا و اهریمن به عنوان اسطوره‌ی الگو، این اسطوره را حاکم بر دنیای حماسی شاهنامه می‌داند.

مفصل‌ترین کتابی که به معرفی پیشینه‌ی اسطوره‌ای یا تاریخی-روایی قهرمانان شاهنامه پرداخته‌است، حماسه‌سرایي در ایران اثر ذبیح الله صفا می‌باشد. اثری دیگر در این زمینه می‌توان «فردوسی و شاهنامه‌سرایي»

<sup>۱</sup> . Campbell

<sup>۲</sup> . Rank

<sup>۳</sup> . Yung

<sup>۴</sup> . Bowra

را نام برد، که طی مقالاتی به معرفی شخصیت‌های شاهنامه پرداخته‌است.

اما در رابطه با تحلیل رویارویی میان قهرمانان شاهنامه، آثار به قدری گسترده و متنوع است که سخن در باب آنها، در حوصله‌ی این مقدمه نمی‌گنجد. هریک از این آثار غالباً یک یا چند داستان از داستان‌های شاهنامه را ملاک قرار داده و به تحلیل آنها پرداخته‌اند. از کتاب‌های نگاشته‌شده در این زمینه می‌توان این آثار را نام برد: «زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه»، داستان داستان‌ها از محمدعلی اسلامی‌ندوشن، «پژوهشی در اندیشه‌های فردوسی» از فضل‌الله رضا، «اسطوره، حماسه‌ی ضحاک ماردوش» از سیاره مهین-فر، «مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار، سوگ سیاوش» از شاهرخ مسکوب و... هر یک از این آثار تنها یک یا چند داستان را به بحث کشیده‌اند. در این آثار، پژوهشی که تقسیم‌بندای جامع بر اساس نقش و کارکرد قهرمانان ارائه دهد، وجود ندارد. همچنین هیچ یک از این آثار تمام رویارویی‌های بنیادین قهرمانان شاهنامه را مورد بررسی و تحلیل بر اساس یک الگوی مشترک قرار نداده‌اند.

پایان‌نامه‌ی پیش رو تا حدی، یک اثر جامع در رابطه با قهرمانان شاهنامه و تقابل‌های میان آنان را ارائه می‌دهد. همچنین سعی شده در تحلیل رویارویی قهرمانان یک الگوی نو که مبنای آن بر بُره‌های زندگانی قهرمان استوار است، معرفی شود.

## ۱-۴-اهداف تحقیق

اهداف این تحقیق را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. بررسی جریان قهرمان‌سازی در حماسه‌ی شاهنامه
۲. تبیین ریشه‌ی تقابل قهرمانان شاهنامه بر اساس اسطوره‌ی ایرانیِ تقابل میان خیر و شر
۳. معرفی قهرمانان شاهنامه در گروه‌های نو و جامع
۴. تحلیل رویارویی میان قهرمانان در گروه‌های سه‌گانه

اهمیت و ارزش این تحقیق را در این موارد می‌توان جست‌وجو کرد: شناخت بهتر و دقیق‌تر قهرمانان و ضد قهرمانان شاهنامه، یافتن ریشه‌ی تقابل قهرمانان شاهنامه و درک بهتر از نظام اندیشه‌ای حاکم بر شاهنامه، به چالش کشیدن دیدگاه‌های سنتی در باب رویارویی میان قهرمانان و قابل استفاده‌ی دانشجویان و همکاران علاقه‌مندان به شاهنامه‌پژوهی.

## ۱-۵-سؤال‌های تحقیق

در طول پایان‌نامه به این سؤالات پاسخ داده می‌شود:

- قهرمان‌سازی در حماسه چگونه صورت می‌گیرد؟ (در فصل دوم به این سؤال پاسخ داده می‌شود).
- آیا از دیدگاه علت‌شناختی می‌توان پیوندی میان تقابل قهرمانان در شاهنامه با اندیشه‌ی تقابل خیر و شر

در فرهنگ ایرانی جست؟ (در فصل سوم به این سؤال پاسخ داده می‌شود.)

- آیا همه‌ی قهرمانان شاهنامه در دنیای حماسه دارای خویشکاری و کارکردی یکسان هستند؟ (در فصل

چهارم به این سؤال پاسخ داده می‌شود.)

- آیا برای تقابل‌های میان قهرمانان شاهنامه می‌توان ساختاری طراحی کرد؟ (در فصل پنجم به این سؤال

پاسخ داده می‌شود.)

## ۱-۶- روش تحقیق

شاهنامه را از نظر ساختار غالباً به سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی تقسیم می‌کنند. این تقسیم‌بندی هرچند اعتبار مطلق ندارد، اما تا حدی می‌تواند راهگشا باشد. این بخش‌بندی بر اساس وزنه‌ی بیشتر یکی از موضوعات نام برده بر دو موضوع دیگر در هر بخش است. اما در حقیقت هیچ‌یک از این سه بخش از موضوع دو بخش دیگر بی‌بهره نیست. روی هم رفته می‌توان گفت که مطالب اساطیری و شگفتی‌های بیشتر در بخش پیشدادی؛ داستان‌های قهرمانی و پهلوانی در بخش کیانی؛ تاریخ، آیین خسروانی و اندرز(به‌ویژه در پادشاهی اردشیر و انوشیروان)، ادبیات عامیانه(به‌ویژه حکایات بهرام گور) بیشتر در بخش ساسانی؛ داستان تاریخی یا کارنامه (چون داستان اردشیر با اردوان و داستان بهرام چوبین) بیشتر در بخش اشکانی و ساسانی آمده‌است. جامعه‌ی آماری در این تحقیق بخش اساطیری و قهرمانی و پهلوانی می‌باشد.

پایان‌نامه‌ی پیش رو در پنج فصل تنظیم شده‌است. در فصل دوم و در قسمت نخست، اسطوره و کهن-الگوی قهرمان بر اساس نظریه‌ی اسطوره‌شناسان، به عنوان رایج‌ترین و شناخته‌ترین اسطوره و کهن‌الگوی جهانی معرفی گردیده‌است. در قسمت دوم، به تبیین رابطه‌ی حماسه با اسطوره، و دوره‌ی قهرمانی، برپایه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی پرداخته شده‌است و در نهایت دو طریق ورود قهرمانان به عرصه‌ی حماسه، یعنی دنیای اساطیر و دنیای تاریخ، تشریح شده‌است.

در فصل سوم، ضمن معرفی «اسطوره‌ی پیکار کیهانی میان خیر و شر»، به عنوان اسطوره‌ی مادر، در اساطیر و فرهنگ ایران، نشان داده شده‌است که این تقابل میان اهورا و اهریمن به اندیشه‌ی بسیار کهن دوگرایی و یا دوگانه‌بینی، در ایران باستان بازمی‌گردد. در قسمت دوم این فصل، روشن شده‌است که شاهنامه‌ی فردوسی به عنوان یک اثر حماسی، در بخش اساطیری و قهرمانی خود، یک آرایش حماسی از جهان‌بینی ایرانی است که نمونه‌ی آغازین نبرد میان نیکی و بدی را تکرار می‌کند.

حماسه‌ی شاهنامه که دارای ساختی حماسی با بن‌مایه‌های اصیل اساطیریست، صحنه‌ی ظهور و افول قهرمانان بسیاری است. در فصل چهارم، قهرمانان شاهنامه در یک تقسیم‌بندی نو بر اساس کارکرد و خویشکاریشان در شاهنامه طبقه‌بندی شدند. در این طبقه‌بندی ویژگی‌های هر گروه از قهرمانان بررسی گردیده‌است.

در فصل پنجم تقابل قهرمانان شاهنامه در سه گروه جداگانه بررسی شد. تقابل هریک از قهرمانان در سه مرحله تشریح شده است. آغاز و پایان این مراحل حول محور قهرمان، و زندگانی اش می چرخد. این سه مرحله عبارتند از طلوع، غروب، شب، که هر کدام برهه‌ای از روزگار قهرمان را می نمایند. طلوع سرافرازی و پیروزی قهرمان است. غروب زوال سعادت و سربلندی قهرمان و شب همان شکست قهرمان است.

روش تحقیق در این پایان نامه کتابخانه‌ای و به روش تحلیل محتوا و فیش برداری می باشد. همانگونه که دیده شد، پایان نامه‌ی پیش رو در پنج فصل تنظیم شده است. طی مطالب گفته شده، مختصری از محتوای فصول نیز بیان شد. امید است که مطالب این پایان نامه مورد استفاده‌ی پژوهشگران و علاقه‌مندان به شاهنامه قرار گیرد.

## فصل دوّم

در آمدی بر اسطوره و حماسه‌ی قهرمانی



مفهوم قهرمان، از جمله مفاهیم جهان‌شمول و فراگیری است که نه تنها در اسطوره، تاریخ، فرهنگ و اندیشه‌ی همه‌ی ملل جایگاه نهادینه‌ای دارد، بلکه در ناخودآگاه آرمانی هر انسانی نیز آرزوی وجود قهرمان وجود دارد. نخستین بار انسان اولیه این آرمان را براساس جهان‌بینی خود در وجود خدایان و موجودهای فرابشری تحقق بخشید. قهرمانان اسطوره‌ای از میان همین تصویرهای خیالی اما مرتبط با واقعیت، شکل گرفتند. این قهرمانان اساطیری در چارچوب ویژگی‌های خاص اسطوره‌ای پرورده شده بودند. اسطوره، خود مفهوم هزار لایه و بغرنجی است که از دیدگاه‌های مختلف و مکمل یکدیگر بررسی و تفسیر می‌شود. در حقیقت در شبکه‌ی اسطوره‌ها، عناصر اساطیری همچون شاخه‌های درخت به تنه‌ی آن پیوند می‌یابند. اسطوره دارای ویژگی‌های مکانی، زمانی و آیینی خاص خود است. با توجه به تحقیقات اسطوره‌شناسی، اساطیر هیچ ملتی خالی از اسطوره‌ی قهرمان نیست. اسطوره‌ی قهرمان، عادی‌ترین و مأنوس‌ترین اسطوره در جهان است. در طول تاریخ فرهنگ و تمدن بشری، با گذر زمان و تغییراتی که در محیط اجتماعی و نگرش‌های فکری و فرهنگی انسان پدید آمده است، اسطوره‌ها دائماً در حال تغییر و دگرگونی بوده‌اند اما هرگز به طور کامل نمرده و فراموش نشده‌اند، بلکه ماندگاری و بازتاب آنها به صورت‌های دیگر بوده است. یکی از صورت‌های تحول‌یافته‌ی اساطیر حماسه می‌باشد. قهرمانان اسطوره‌ای، متناسب با شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مردم، در دوره‌های سپس‌تر به قهرمانان حماسی تبدیل می‌شوند. قهرمانان و اعمال قهرمانی هسته‌ی مرکزی حماسه را تشکیل می‌دهند. حماسه نیز مولود رویدادها، به‌ویژه رویدادهای رزمی است. رویدادهای رزمی هم برگرد قهرمانان و پهلوانان شکل می‌گیرد. در نتیجه هیچ حماسه‌ای از وجود دوره‌ی قهرمانی و نهاد پهلوانی خالی نیست.

روند قهرمان‌سازی در حماسه، در حماسی‌ترین و داستانی‌ترین صورت خویش در تاریخ فرهنگ ایران در شاهنامه‌ی فردوسی به اوج ظهور خود رسیده است. در این فصل جریان شکل‌گیری قهرمانان حماسه برپایه‌ی قهرمانان شاهنامه بررسی می‌شود.

## ۲-۱- اسطوره‌ی قهرمان، شناخته‌ترین اسطوره‌ی جهانی

هیچ ملتی را نمی‌توان شناخت و به ژرفای اندیشه‌ی آن دست‌یافت، مگر اینکه ریشه‌ی باورهای او را که در نمادهای اساطیری فراسوی حافظه‌اش جایگزین شده است، دریافت. اسطوره، خود مفهوم هزارلایه و بغرنجی است که از دیدگاه‌های مختلف و مکمل یکدیگر بررسی و تفسیر شده است. همه‌ی پژوهشگران بر اهمیت و ارزشمندی اسطوره تأکید فراوان دارند و اساطیر را یکسره خیالی و واهی نمی‌دانند، بلکه معتقدند که

میان اسطوره و واقعیت پیوندی گسست‌ناپذیر وجود دارد. «الیاده»<sup>۱</sup>، اسطوره را متضمن روایت یک خلقت می‌داند. «اسطوره، حکایت می‌کند که چگونه از دولت سر و به برکت کارهای نمایان و برجسته‌ی موجودات مافوق طبیعی، واقعیتی - چه واقعیت کیهانی یا جزئی از واقعیت، جزیره‌ای، نوع نباتی خاص، سلوک و کرداری انسانی - پا به عرصه‌ی وجود نهاده است» (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۴). از میان پژوهشگران اسطوره‌شناس ایرانی، ستاری، اسطوره را نوعی روایت و داستان می‌داند که دربرگیرنده‌ی باورهای قوم درباب خود و جهان و خدا، یعنی کل هستی و مابعدالطبیعه می‌باشد (ستاری، ۱۳۸۸: ۱).

در حقیقت در شبکه‌ی اسطوره‌ها، عناصر اساطیری همچون شاخه‌های درخت به تنه‌ی آن پیوند می‌یابند. در چارچوب شبکه‌ی مزبور، اسطوره‌های مختلف اجزای بینش‌ها و رویکردهای فرهنگی را قوام می‌بخشند. در واقع در این شبکه، مجموعه‌ای از قصه‌ها و حکایات به هم پیوند می‌یابند. هرچند که در ظاهر هیچ ارتباطی با هم نداشته باشند، ولی در عمق به سایر روابط معنا می‌بخشند.

با این تعاریف، می‌توان اسطوره را به اعتباری متضمن کنش‌های اساطیری خدایان و دلاوری‌های حماسی قهرمانان دوران آغازین دانست که انسان با تقلید و تکرار این کنش‌ها خود را از زمان رها نموده و به زمان مینوی سیر می‌کند. این اساطیر معمولاً متضمن روایات و داستان‌هایی با زمان و مکان ازلی و ابدی هستند. شمار بسیاری از این داستان‌ها و روایات اساطیری مربوط به ماجراجویی‌ها و سرگذشت قهرمانان می‌باشد. اسطوره‌ی قهرمان، عادی‌ترین و مأنوس‌ترین اسطوره در جهان است. «ما این اسطوره را در اساطیر کلاسیک یونان و روم در قرون وسطا، در خاور دور و در میان قبایل ابتدایی کنونی نیز می‌یابیم» (یونگ، ۱۳۸۶: ۱۶۲). این اسطوره به وضوح دارای جاذبه‌ای شگفت‌انگیز است و اهمیتی فوق‌العاده عمیق دارد. «هوک»<sup>۲</sup>، اسطوره‌های بنیادین جهان را به طور کلی به پنج گونه‌ی اصلی بخش‌بندی کرده است:

- ۱- اسطوره‌های آیینی<sup>۳</sup>: این اسطوره‌ها در پیوند با مراسم و کردارهایی هستند که در پرستشگاه‌ها و معابد اجرامی شوند و با اعمالی همراه هستند که این اعمال و کردارها بیشتر با کلام و ورد و افسون همراه است. ۲-
- اسطوره‌های بنیاد<sup>۴</sup>: اینها، بیشتر اسطوره‌های علت‌شناختی هستند که پاره‌ای از دانشمندان آنها را کهن‌ترین گونه‌ی اسطوره‌ها می‌دانند. این گونه اسطوره‌ها، بیان علت خیالی، بنیاد یک عادت یا یک نام، حتی یک شیء است. ۳- اسطوره‌های کیش<sup>۵</sup>: این اسطوره‌ها در پیوند با جشن‌ها و مراسم قومی یک ملت است.
- ۴- اسطوره‌های شخصیت<sup>۶</sup>: در اسطوره‌های شخصیت، توگد و کارهای برجسته‌ی قهرمان مشهور، در هاله‌ای از شگفتی و رمز و راز بیان می‌شود. ۵- اسطوره‌های جهان پس از مرگ<sup>۷</sup>: این گونه اسطوره‌ها از دیدگاه

---

<sup>۱</sup> . Eliade  
<sup>۲</sup> . Hooke  
<sup>۳</sup> . Ritual  
<sup>۴</sup> . Origin  
<sup>۵</sup> . Cult  
<sup>۶</sup> . Prestige  
<sup>۷</sup> . Eschatological

دین‌های مختلف، هر کدام به گونه‌ای متفاوت بیان شده‌اند» (هوک، ۱۳۷۳: ۱۲-۱۶).

در تقسیم‌بندی‌ای دیگر، «گرین»<sup>۱</sup> و دیگران، مایه‌ها یا انگاره‌های کهن الگویی‌ای را که اساس اساطیر جهان قرار گرفته‌اند، در سه بخش قراردادها: «۱- خلقت: شاید اساسی‌ترین همه‌ی مایه‌های کهن الگویی - به تحقیق همه‌ی اساطیر جهان - متگی بر روایتی است از چگونگی به وجود آمدن کیهان، حیات و انسان، به دست وجود یا وجودهایی فوق طبیعی، ملکوتی. ۲- جاودانگی: یک کهن‌الگوی اساسی دیگر که معمولاً و اساساً به دو شکل گریز از زمان و غوطه‌وری عرفانی در زمان دوری روایت می‌شود. ۳- کهن‌الگوهای قهرمان (کهن‌الگوهای تحوّل و رستگاری)» (گرین و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۶۶).

اسطوره‌ی قهرمان رایج‌ترین و شناخته‌ترین اسطوره، در جهان است. این اسطوره و کهن‌الگوی آن (شخصیت سمبلیک قهرمان)، در طول تاریخ و ناخودآگاه انسانها وجود داشته و نشان می‌دهد که نوع بشر متعلق به هر دوره و تمدنی که باشد، همواره آرمان‌ها و آرزوهای مشابهی را طلب می‌کند. قهرمانان تجسم آرمانهای بشری‌اند. در طول تاریخ انسان‌ها، همواره طالب الگو بوده‌اند. الگویی تمام و کمال که قادر باشد به محدودیت‌های شخصی و بومی‌اش فایق‌آید و از آن‌ها عبور کند. کسی که از راه‌های شناخته‌شده و امن زندگی کناره گیرد و به ندایی خاص و نه چندان رسا، پاسخ گوید و از خون‌ها و مشکلات، پیروز بیرون آید. در نظر آدمیان، قهرمانان به خدا نزدیک‌ترند، زیرا راه و روش آنها مینوی است. آدمیان متعارف، قهرمانان را نزدیکان ساحت قدیس می‌شمارند. آنچه که به زندگی قهرمانان شکوه و عظمت می‌بخشد، پی-جویی آرمان‌های والایی است که در تقابل با روزمرگی قرار دارند. قهرمان مسئله‌ی مرگ و زندگی را به چالش می‌کشاند.

اساطیر قهرمانی از حیث جزئیات بسیار متفاوت‌اند، اما هر قدر بیشتر به بررسی آنها می‌پردازیم، بیش‌تر به شباهت ساختمانی‌شان پی می‌بریم. با توجه به تحقیقات اسطوره‌شناسی، اساطیر هیچ ملتی خالی از اسطوره‌ی قهرمان نیست. کمبل در کتاب معروف خود «قهرمان هزار چهره» با بررسی داستان‌ها و اسطوره‌های قهرمان در سراسر جهان و در دوره‌های مختلف، معتقد است که توالی اعمال قهرمانی از الگوی معینی تبعیت می‌کند. در نظر او «اسطوره‌ی قهرمان از ارزش والایی برخوردار است، چراکه قهرمان چیزی ورای دستاوردها و تجارب معمول بشری یافته و به انجام رسانیده‌است. قهرمان زندگی خود را نثار چیزی بیش از خود می‌کند» (کمبل، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

---

<sup>۱</sup>. Guerin

## ۲-۲-۲- قهرمان‌سازی در روند حماسه

### ۲-۲-۱- حماسه

همان گونه که در گفتار پیشین بیان شد، اسطوره‌ی قهرمان، اسطوره‌ای بنیادین و جهانی است. قهرمانان اسطوره‌ای، متناسب با شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مردم، در دوره‌های سپس‌تر به قهرمانان حماسی تبدیل می‌شوند. اساساً اسطوره در پیوندی تنگاتنگ با حماسه است و در واقع جان و روح آن به شمار می‌آید. در کالبد حماسه است که باورها و اندیشه‌های نهادینه‌شده، جاودانه می‌گردند.

در زبان فارسی حماسه همه‌ی انواع داستان‌های رزمی و پهلوانی را دربرمی‌گیرد، «یعنی عملاً به معنایی به-کارمی‌رود که در زبان‌های غربی «Epos» گفته می‌شود. و آن به معنای «داستان و منظومه‌ی رزمی»، یکی از انواع بزرگ ادبیات روایی یا نقلی<sup>۱</sup> است» (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۱).

مفهوم حماسه به دلیل تعلق به حوزه‌ی انواع ادبی، محل بحث‌ها و نظریات فراوان بوده‌است. حماسه یک شعر بلند روایی است، درباره‌ی رفتار و کردار پهلوانان و رویدادهای قهرمانی و افتخارآمیز در حیات باستانی یک ملت. این گونه شعر داستانی، منظومه‌ای بزرگ و چند سوبه است که آمیزه‌ای از اسطوره، تاریخ، افسانه و فولکلور می‌باشد و غالباً در مرحله‌ی نخستین پیدایش خود، از داستان-سرودها و روایت‌های شفاهی پراکنده در ستایش پهلوانان و یادکردهای قومی و نبردهای خاندانی و ... آغاز می‌شود، و در مرحله‌ی پایانی یا دوران تدوین و تنظیم هنری خود، به صورت منظومه‌ای یگانه با مشخصات ملی درمی‌آید.

بورا، حماسه را نتیجه‌ی تکامل یک قالب داستان با بینش جادو مرکزی به بینش مردم [قهرمان] مرکزی می‌داند (همان: ۱۲). «شفیعی کدکنی» در تعریف خود از حماسه، چهار ویژگی زمینه‌ی داستانی، زمینه‌ی قهرمانی/پهلوانی، زمینه‌ی ملی و زمینه‌ی خرق عادت را مهم‌ترین و برجسته‌ترین خصایص حماسه به شمار می‌آورد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۹). قهرمانان و اعمال قهرمانی هسته‌ی مرکزی حماسه را تشکیل می‌دهند. هر حماسه دارای ویژگی‌ها و خصوصیات ملی و قومی خاص خود نیز هست. علاوه بر این وجود عناصر مافوق طبیعی و غیربشری نیز از دیگر ویژگی‌های حماسه است. در نتیجه حماسه محصول دوران قهرمانی و پهلوانی ملت‌هاست و تاریخ هیچ ملتی نیز خالی از دوره‌های خطر و پرفراز و نشیب جنگ و گریز نبوده‌است.

## ۲-۲-۲- دوره و نهاد قهرمانی

همان گونه که در بررسی حماسه نمایان شد، حماسه مولود رویدادها به‌ویژه رویدادهای رزمی است. رویدادهای رزمی هم برگرد قهرمانان و پهلوانان شکل می‌گیرد. در نتیجه هیچ حماسه‌ای از وجود دوره‌ی قهرمانی و نهاد پهلوانی خالی نیست. تمامی ملت‌ها چنین دوره‌ای را با برتری نوعی قهرمانان گذرانده‌اند.

<sup>۱</sup>. Epic